

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

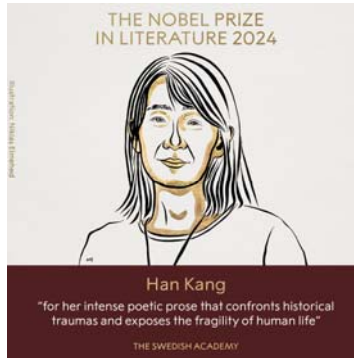
afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

بهرام رحمانی
۲۰ اکتوبر ۲۰۲۴

برندگان جوایز نوبل در سال ۲۰۲۴!

آکادمی سلطنتی سویدن، روز پنجشنبه ۱۰ اکتبر ۱۹ - مهر ۱۴۰۳، اعلام کرد که جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۲۴ خود را به «هان کانگ»، نویسنده اهل کره جنوبی اهدا می‌کند.



هیأت داوران در بیانیه خود اعلام کرد که این جایزه را به‌خاطر «نثر به شدت شاعرانه‌ای که با آسیب‌های تاریخی می‌پردازد و شکنندگی زندگی بشری را آشکار می‌کند» به این نویسنده اختصاص می‌دهد. «گیاهخوار»، «اعمال انسانی» و «کتاب سپید» از جمله آثاری از این نویسنده هستند که به زبان فارسی ترجمه شده است.

خانم هان ۵۳ ساله در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه بین‌المللی بوکر برای «گیاهخوار» شد، رمانی که در آن تصمیم یک زن برای ترک خوردن گوشت عواقب ویران‌گری دارد.

هان کانگ، نویسنده برجسته اهل کره جنوبی، برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۲۴ شد. این نویسنده ۵۳ ساله به دلیل «نثر شاعرانه و عمیق خود که با به چالش کشیدن تروماهای تاریخی، شکنندگی زندگی انسان را آشکار می‌کند» مورد تحسین قرار گرفت. از جمله آثار معروف او می‌توان به کتاب‌های «گیاهخوار»، «کتاب سفید»، «اعمال انسانی» و «درس‌های یونانی» اشاره کرد.

ماتس مالم، دبیر دائمی آکادمی سویدن، پس از اعلام برنده‌شدن هان کانگ، گفت: «توانستم با هان کانگ تلفنی صحبت کنم. به‌نظر می‌رسید روز عادی‌ای داشت - او تازه شام خود را با پسرش تمام کرده بود. برای این اتفاق آماده نبود، اما

اکنون در حال برنامه‌ریزی برای مراسم در دسامبر هستیم.» هان کانگ در ماه دسامبر جایزه نوبل ادبیات خود را دریافت خواهد کرد.



هان کانگ در آثار خود به بررسی موضوعاتی همچون مردسالاری، خشونت، اندوه و انسانیت پرداخته است. رمان «گیامخوار» که در سال ۲۰۰۷ به زبان کره‌ای منتشر و در سال ۲۰۱۵ توسط دبرا اسمیت به انگلیسی ترجمه شد، در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه بوکر بین‌المللی شد.

آندرس اولسون، رئیس کمیته نوبل، با اشاره به سبک خاص هان کانگ گفت: «همدلی او با زندگی‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان، در نثر استعاری و پرمعنای او ملموس است. او دارای آگاهی ویژه‌ای از ارتباط میان جسم و روح، زنده‌ها و مرده‌ها است و با سبک شاعرانه و تجربی خود، به نوآور برجسته‌ای در نثر معاصر تبدیل شده است.»

هان کانگ در سال ۱۹۷۰ در شهر گوانگجو در جنوب غربی کره جنوبی به دنیا آمد و در سن ۱۰ سالگی به همراه خانواده به محله سویودونگ سئول نقل مکان کرد. او در دانشگاه یونسئی در رشته ادبیات کره‌ای تحصیل کرد.

هان کانگ در سال ۱۹۹۳ با انتشار مجموعه‌ای از پنج شعر در مجله «ادبیات و جامعه» اولین حضور ادبی خود را تجربه کرد. سال بعد، او با داستان «لنگر سرخ» در مسابقه ادبی بهار روزنامه «سئول شینمون» برنده شد.



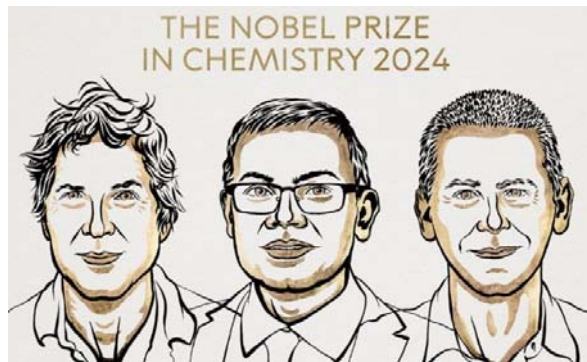
کمیته نوبل از سال ۱۹۰۱ میلادی جایزه‌های را به حوزه ادبیات اختصاص داده است. از آن زمان تا به امروز، ۱۱۷ سال این جایزه اعلام و مجموعاً به ۱۲۱ نفر اهدا شده است که از این تعداد ۱۰۳ نفر مرد و فقط ۱۸ زن این جایزه را به خانه بردند.

«کن شوئه» نویسنده ۷۱ ساله چینی، «جرالد مورنین» نویسنده ۸۵ ساله استرالیایی، و «هاروکی موراکامی» نویسنده ۷۵ ساله جاپانی از جمله کسانی بودند که انتظار می‌رفت نوبل ادبیات امسال به آن‌ها اختصاص پیدا کند.

جایزه نوبل ادبیات سال گذشته به «یون فوسه» نویسنده نروژی رسیده بود. آکادمی سوئدی نوبل وی را به خاطر «نمایشنامه‌های بدیع و نثر او که ناگفتنی‌ها را بازگو می‌کند» شایسته دریافت جایزه سال ۲۰۲۳ معرفی کرده بود. آثار

متعددی از او از جمله «زیبا و رویای پائیز»، «دخترک روی مبل»، «شب آوازهایش را می‌خواند» و «دختری با بارانی زرد» به فارسی ترجمه شده‌اند.

پیش از این جایزه ادبی نوبل در سال ۲۰۲۳ به «یون فوسه» نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس نروژی رسیده بود و آکادمی نوبل با اشاره به رمان چند جلدی «سپتولوژی» از این نویسنده او را شایسته این جایزه خواند. نوبل ادبیات جایزه‌ای است که به گفته آلفرد نوبل هر سال به نویسنده‌ای داده می‌شود که خدمات بزرگی به بشریت کرده است.



نوبل کیمیا ۲۰۲۴ به سه دانشمند برای یافته‌هایشان درباره پروتئین تعلق گرفت

جایزه نوبل کیمیا ۲۰۲۴ به سه دانشمند برای پژوهش و یافته‌هایشان درباره پروتئین تعلق گرفت. آکادمی سلطنتی علوم سویدن اعلام کرد که نیمی از جایزه نوبل کیمیا امسال به دیوید بیکر، امریکایی و استاد دانشگاه واشنگتن به خاطر «طراحی محاسباتی پروتئین» و نیم دیگر به‌طور مشترک به دمیس حسابیس، بریتانیایی و جان جامپر، امریکایی برای کارشان در زمینه «پیش‌بینی ساختار پروتئین» اهدا می‌شود. پروتئین‌ها اجزای سازنده حیات هستند و در هر سلول بدن انسان یافت می‌شوند. درک بهتر از پروتئین‌ها باعث پیشرفت‌های بزرگی در علم پزشکی شده است.

دیوید بیکر، برنده نیمی از جایزه کیمیا امسال، در آزمایشگاه اولین پروتئینی را ایجاد کرد که کاملاً با تمام پروتئین‌های شناخته شده متفاوت بود، کاری که قبلاً تصور می‌شد غیرممکن است.

کسانی که قبلاً پروتئین‌های جدیدی ایجاد کرده بودند، تنها قادر به تقلید از ساختارهای موجود بودند. اما ساختار خاص پروتئین موسوم به «تاپ۷» ساخته پروفیسور بیکر قبلاً در طبیعت وجود نداشت.

همچنین، این پروتئین با ۹۳ اسید آمینه خود، بزرگتر از تمام انواع پروتئین‌ها است که قبلاً تولید و طراحی شده است. او با ایجاد این پروتئین، راه را برای ایجاد پروتئین‌های جدید برای استفاده در داروسازی، تولید واکسن و محصولات دیگر باز کرد.

پروفیسور بیکر پس از اعلام این خبر به کمیته نوبل گفت که «بسیار هیجان‌زده و بسیار مفتخر» است. او در پاسخ به این سؤال که چگونه طلسم ساخت پروتئین جدید را شکسته است، گفت مدیون دانشمندان بزرگ این عرصه است.

او گفت که در خواب بود که با زنگ تلفن خبردار شد برنده شده است و همسرش از شدت هیجان «با صدای بلند شروع به جیغ زدن» کرد.

نیمی از جایزه نقدی حدود ۱ میلیون و ۶۰ هزار دلاری به دیوید بیکر خواهد رسید و نصف دیگر آن بین دمیس حسابیس و جان جامپر تقسیم خواهد شد.

«انقلاب» در دانش کیمیا

دمیس حسابیس و جان جامپر با استفاده از هوش مصنوعی توانستند ساختار تقریباً همه پروتئین‌های شناخته‌شده را پیش‌بینی کنند.

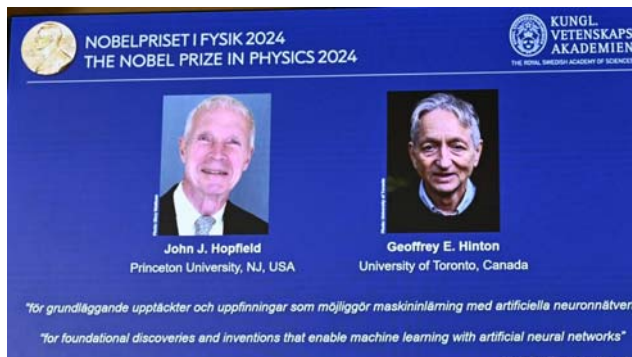
در سال ۲۰۲۰ میلادی این دو پژوهش‌گر نوعی هوش مصنوعی به نام «آلفا فولد ۲» ساختند و با کمک آن توانستند ساختار تقریباً تمام ۲۰۰ میلیون پروتئین شناسایی‌شده را پیش‌بینی کنند. از آن زمان بیش از دو میلیون نفر در ۱۹۰ کشور از مدل هوش مصنوعی آن‌ها استفاده کرده‌اند که در زمینه‌های مختلف کاربرد دارد، از جمله اینکه پژوهشگران با استفاده از آن می‌توانند مقاومت آنتی‌بیوتیکی را بهتر درک کنند و ساختار مولکولی آنزیم‌هایی را تصویرسازی کنند که قادر به تجزیه پلاستیک هستند.

کمیته نوبل این را «یک انقلاب تمام عیار» در کیمیا توصیف کرد.

دیوید بیکر متولد سال ۱۹۶۲ در سیاتل امریکاست و دکترای خود را از دانشگاه کالیفرنیا گرفته است.

دمیس حسابیس متولد ۱۹۷۶ در لندن است. پدرش یونانی-قبرسی و مادرش سنگاپوری است. او پژوهش دکترای خود را در دانشگاه یوسی‌ال لندن انجام داده است و مدیر عامل مرکز پژوهشی «گوگل دیپ‌ماینده» در بریتانیا است.

جان جامپر، متولد ۱۹۷۶ در امریکا است و دکترای خود را از دانشگاه شیکاگو گرفته است. او هم در مرکز پژوهشی «گوگل دیپ‌ماینده» در لندن به عنوان پژوهشگر ارشد کار می‌کند.



جایزه نوبل فیزیک به دو پژوهش‌گر هوش مصنوعی تعلق گرفت

جایزه نوبل فیزیک ۲۰۲۴ به‌طور مشترک به جان هاپفیلد و جفری اورست هینتون، دو پژوهشگر هوش مصنوعی تعلق گرفت.

آکادمی فیزیک نوبل روز سه‌شنبه ۸ اکتبر اعلام کرد که جایزه نوبل فیزیک به جفری اورست هینتون بریتانیایی-کانادایی از دانشگاه تورنتو و جان جوزف هاپفیلد امریکایی و پژوهش‌گر دانشگاه پرینستون امریکا اهدا می‌شود.

آکادمی سلطنتی علوم سوئد جایزه خود را به این دو دانشمند به دلیل آنچه «اکتشافات و اختراعات اساسی» خوانده شده که «امکان یادگیری خودکار (اتوماتیک) با استفاده از شبکه‌های هوش مصنوعی» را فراهم می‌کند جایزه خود را به آن‌ها اهدا کرده است.

هیأت داوران نوبل در بیانیه خود اعلام کرد: «هر دو برنده جایزه نوبل فیزیک امسال از ابزارهای فیزیک برای توسعه روش هائی استفاده کردند که اساس سیستم های یادگیری ماشینی قدرتمند امروزی هستند.»

جان جوزف هابفیلد، متولد ۱۹۳۳ فیزیکدان و زیست‌شناس توانسته است با «ایجاد یک حافظه» می‌تواند تصاویر و انواع دیگر الگوها را بازسازی کند.

جفری هینتون متولد ۱۹۴۷ نیز توانسته است روشی ابداع کند که «به طور مستقل خصوصیات داده‌ها را شناسائی کند و در نتیجه قادر به انجام وظایفی مانند شناسائی عناصر خاص در تصاویر می‌کند.»

این دو دانشمند از ابزارهای فیزیک برای توسعه روش‌های استفاده کرده‌اند که پایه و اساس یادگیری ماشینی قدرتمند امروزی است.

جفری هینتون سال گذشته از کار با گوگل استعفا داد. وی همچنین درباره خطراتی هشدار داد که هوش مصنوعی برای آینده بشریت خواهد داشت.

الن مونز، رئیس کمیته نوبل فیزیک گفته است: «در فیزیک، ما از شبکه‌های عصبی مصنوعی در طیف وسیعی از زمینه‌ها، مانند توسعه مواد جدید با ویژگی‌های خاص، استفاده می‌کنیم.»

جایزه نوبل به دستاوردهای مهم در رشته‌های فیزیک، کیمیا، پزشکی، ادبیات و صلح به یک تا حداکثر سه نفر اهدا می‌شود.



جایزه صلح نوبل ۲۰۲۴ به یک سازمان جاپانی مخالف جنگ‌افزارهای هسته‌ای و حامی قربانیان بمب‌های اتومی رسید

سازمان جاپانی «نیهون هیدانکیو»، یک سازمان غیردولتی متشکل از بازماندگان حادثه انفجار بمب اتومی هیروشیما و ناکازاکی که با نام هیباکوشا نیز شناخته می‌شود، روز جمعه ۱۱ اکتبر ۲۰۲۴- مهر، برنده جایزه صلح نوبل شد.

سخن‌گوی کمیته نوبل نروژ به هنگام اعلام نام برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۴ گفت: «هیباکوشا به‌خاطر تلاش‌هایش برای دستیابی به جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و همین‌طور نشان دادن این نکته از زبان شاهدان که هرگز نباید دوباره از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرد، این جایزه را دریافت می‌کند.»

شاهدان عینی بمب‌های اتومی هیروشیما و ناکازاکی که در این سازمان فعالیت می‌کنند، زندگی خود را وقف مبارزه برای جهانی عاری از سلاح هسته‌ای کرده‌اند.

کمیته نوبل در بیانیه خود آورده است: «هیباکوشا به ما کمک می‌کند تا چیزهایی غیرقابل وصف را توصیف کنیم، به چیزهای غیرقابل تصور فکر کنیم و درد و رنج غیرقابل درک ناشی از سلاح‌های هسته‌ای را به نوعی درک کنیم.»

«کنفدراسیون سازمان‌های جاپان برای آسیب‌دیده‌های بمب‌های اتمی و هیروژنی» (Nihon Hidankyo) در سال ۱۹۵۶ و به‌همت جمعی از فعالان جاپانی برای حمایت از قربانیان بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی و فشار بر دولت جاپان بوجود آمده و برای کنار گذاشته شدن جنگ افزارهای هسته‌ای تلاش می‌کند.

کمیته نوبل نروژ به‌طور مرتب بر موضوع سلاح‌های هسته‌ای تمرکز کرده و جوایز صلح خود را هر چند سال یک بار به موسسه‌ای فعال در این زمینه اعطا می‌کند.

پیش از این در سال ۲۰۱۷ نیز جایزه صلح نوبل به موسسه «آیکان» (کارزار بین‌المللی برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای) رسیده بود.

برنده نوبل صلح در سال ۲۰۲۴ راس ساعت ۱۱ به‌وقت اروپای مرکزی از محل انستیتوی نوبل در اسلو اعلام شد. در مجموع ۲۸۶ نامزد برای دریافت جایزه امسال وجود داشت.

یورگن واتنه فریدنس، رئیس کمیته نروژی نوبل، گفت که این کمیته با اعطای این جایزه «مایل است به تمامی بازماندگانی که با وجود رنج جسمی و خاطرات دردناک، از تجربه پرهزینه خود برای پرورش امید و مشارکت برای صلح استفاده کردند اداي احترام کند.»

کمیته نروژی نوبل، همچنین تاکید کرد شهادت بازماندگان بمباران‌های اتمی هیروشیما و ناکازاکی -که به «هیباکوشا» معروف هستند- نقش کلیدی در تقویت مخالفت جهانی با سلاح‌های هسته‌ای ایفا کرده است. این کمیته در بیانیه‌ای نوشت: «شهادت‌های هیباکوشا از طریق داستان‌های شخصی، کمپین‌های آموزشی مبتنی بر تجربیات خود، و هشدارهای فوری علیه گسترش و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، کمک بزرگی به ارتقای آگاهی جهانی کرده است.»

هیباکوشا، بازماندگان حملات اتمی

هیباکوشا بازماندگان حملات اتمی هستند که خاطراتشان به‌عنوان شواهد زنده از وحشت و رنج بی‌پایان ناشی از استفاده از سلاح‌های هسته‌ای محسوب می‌شود. آن‌ها کمک کرده‌اند تا جهان به‌طور عمیق‌تری به فکر نابودی کامل این سلاح‌ها بیافتد. کمیته نوبل درباره شهادت این افراد گفت: «هیباکوشا به ما کمک می‌کنند تا چیزی که نمی‌توان آن را به درستی توصیف کرد، درک کنیم، چیزی که خارج از تصور است را به فکر بیاوریم و به‌نوعی درد و رنج غیرقابل فهم ناشی از سلاح‌های هسته‌ای را به تصویر بکشیم.»



آنچه بعد از بمباران اتمی از هیروشیما بر جای ماند

در حالی که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون از سلاح‌های هسته‌ای استفاده نشده، کمیته نوبل هشدار داد «تابوی» استفاده از این سلاح‌ها در حال شکسته شدن است.

کمیته نوبل در بیانیه‌ای گفت: «در این لحظه از تاریخ بشر، ارزش دارد یادآوری کنیم سلاح‌های هسته‌ای چه هستند: مخرب‌ترین سلاح‌هایی که جهان تاکنون به خود دیده است.» بین ۶۰,۰۰۰ تا ۸۰,۰۰۰ نفر بلافاصله پس از انفجار بمب هسته‌ای ۱۵ کیلوتنی بر روی هیروشیما در ۶ اوت ۱۹۴۵ توسط بمبافکن امریکائی انولا گی کشته شدند. تا پایان سال ۱۹۴۵ این رقم به ۱۴۰,۰۰۰ نفر رسید. سه روز بعد، امریکائی‌ها یک بمب پلوتونیومی بر روی ناکازاکی انداختند که منجر به کشته شدن ۷۴,۰۰۰ نفر دیگر شد.

امروزه تعداد افرادی که به طور رسمی به عنوان قربانیان حملات اتمی شناخته شده‌اند، در هیروشیما به ۳۴۴,۳۰۶ نفر و در ناکازاکی به ۱۹۸,۷۸۵ نفر رسیده است. میانگین سنی ۱۱۴,۰۰۰ بازمانده حمله هیروشیما حدود ۸۴ سال است.

واکنش هیپاکوشا به دریافت جایزه نوبل

توشیوکی میماکی، رئیس مشترک Nihon Hidankyo که خود ۸۱ سال دارد، در یک کنفرانس مطبوعاتی در هیروشیما ابراز خوشحالی کرد و اعلام کرد که این جایزه به تلاش‌های این گروه برای نشان دادن امکان‌پذیر بودن خلع سلاح هسته‌ای قوت بیشتری خواهد بخشید. وی گفت: «این یک نیروی بزرگ خواهد بود تا به جهان بگوئیم که خلع سلاح هسته‌ای ممکن است. سلاح‌های هسته‌ای باید به طور کامل حذف شوند.»

میماکی تاکید کرد که این ایده که سلاح‌های هسته‌ای صلح را به ارمغان می‌آورند، یک افسانه است. او گفت: «گفته شده است که به خاطر سلاح‌های هسته‌ای، جهان در صلح است. اما سلاح‌های هسته‌ای می‌توانند توسط تروریست‌ها نیز استفاده شوند. به عنوان مثال، اگر روسیه از آن‌ها علیه اوکراین استفاده کند، یا اسرائیل علیه غزه، این پایان ماجرا نخواهد بود. سیاستمداران باید این مسائل را بدانند.»

او همچنین اشاره کرد که بازماندگان حملات اتمی همیشه درباره وحشت این سلاح‌ها هشدار داده‌اند و آن‌ها را تهدیدی برای همه مردم جهان دانسته‌اند.

مسئله سلاح‌های هسته‌ای در جهان امروز

موضوع سلاح‌های هسته‌ای در سال‌های اخیر بار دیگر به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های جهانی تبدیل شده است. کره شمالی همچنان به آزمایش‌های هسته‌ای و توسعه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای ادامه می‌دهد و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در جریان جنگ با اوکراین از استفاده احتمالی از سلاح‌های هسته‌ای سخن گفته است. این تهدیدات باعث نگرانی‌های گسترده‌ای در میان جوامع بین‌المللی شده است.

همزمان، کشورهای عضو ناتو و متحدان امریکا به حمایت از سیاست‌های هسته‌ای ایالات متحده ادامه می‌دهند، در حالی که جنبش‌های جهانی برای ممنوعیت کامل سلاح‌های هسته‌ای همچنان به تلاش‌های خود برای دستیابی به این هدف ادامه می‌دهند. پیمان ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای که در سال ۲۰۲۱ به تصویب رسید، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این جنبش‌ها محسوب می‌شود، اما هنوز بسیاری از کشورهای اصلی جهان از جمله جاپان و امریکا این پیمان را نپذیرفته‌اند.

انتقادات از دولت جاپان

یکی از جنبه‌های مهم این جایزه، انتقاد غیرمستقیم از دولت محافظه‌کار جاپان است که به‌شدت به چتر هسته‌ای امریکا وابسته است و خود هیچ برنامه‌ای برای پیوستن به پیمان‌های جهانی خلع سلاح هسته‌ای ندارد. این مسئله به‌ویژه در حالی اهمیت پیدا می‌کند که جاپان خود یکی از قربانیان اصلی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در تاریخ است.

سیاست‌های دولت جاپان در زمینه هسته‌های همواره با انتقادات زیادی از سوی گروه‌های صلح‌طلب داخلی و بین‌المللی مواجه بوده است.

مخالفان این سیاست‌ها معتقدند که جاپان به عنوان کشوری که تجربه تلخ بمباران‌های اتمی را پشت سر گذاشته، باید در صف مقدم تلاش‌ها برای ممنوعیت کامل سلاح‌های هسته‌ای باشد و نه این‌که به سیاست‌های هسته‌ای امریکا وابسته بماند.

تاثیر جایزه نوبل بر جنبش‌های صلح‌طلب

دریافت جایزه صلح نوبل توسط Nihon Hidankyo، به احتمال زیاد تأثیر قابل‌توجهی بر جنبش‌های صلح‌طلب در سراسر جهان خواهد داشت. این جایزه نه تنها به‌عنوان یک شناسائی جهانی برای تلاش‌های بی‌پایان این گروه تلقی می‌شود، بلکه ممکن است به عنوان یک انگیزه جدید برای گروه‌های مشابه در دیگر کشورها عمل کند.

گروه‌های صلح‌طلب در سراسر جهان با استقبال از این جایزه امیدوارند توجه بیشتری به موضوع خلع سلاح هسته‌ای جلب شود و دولت‌ها تحت فشار بیشتری قرار گیرند تا اقدامات ملموس‌تری در این زمینه انجام دهند. در حالی که بسیاری از کشورهای جهان هنوز به سلاح‌های هسته‌ای به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دفاعی خود نگاه می‌کنند، این جایزه می‌تواند پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای در پی داشته باشد.

کمیته نوبل صلح در گذشته نیز فعالان و گروه‌های تلاش‌گر در راه مقابله با کاربرد تسلیحات هسته‌ای را به‌عنوان برندگان این جایزه معتبر جهانی معرفی کرده بود. از جمله در سال ۲۰۱۷، کمپین بین‌المللی نابودی سلاح‌های هسته‌ای برنده نوبل صلح شد.

برنده نوبل صلح امسال در شرایطی معرفی شد که درگیری‌های مرگبار و ویران‌گری در جهان، از خاورمیانه تا اوکراین و سودان در جریان است. این احتمال در هفته‌های گذشته مطرح بود که کمیته نوبل صلح امسال جایزه‌ای اعطا نکند.

کمیته نوبل نروژ اعلام کرد امسال ۲۸۶ فرد و سازمان برای دریافت جایزه نوبل نامزد شده بودند؛ ۱۹۷ فرد حقیقی و ۸۹ سازمان. کمیته در نروژ تنها مسئول تعیین برنده جایزه نوبل صلح است و کمیته سوئدی نوبل برندگان سایر جوایز را معرفی می‌کند.

مبلغ نقدی جایزه نوبل امسال معادل یک میلیون و ۶۰ هزار دلار امریکا است. مدال و دیپلم نوبل همراه با چک نقدی جایزه روز دهم دسامبر، ۲۰ آبان، که سالگرد مرگ آلفرد نوبل است، در اسلو اهدا خواهد شد.

جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ در سال گذشته، به نرگس محمدی از ایران تعلق گرفته بود.

جایزه صلح نوبل ارزشی برابر با ۱۱ میلیون کرون سوئد یا حدود ۱ میلیون دلار امریکا دارد.

مراسم اهدای این جایزه روز ۱۰ دسامبر مصادف با سالگرد مرگ آلفرد نوبل، صنعتگر سوئدی و بنیان‌گذار جوایز نوبل و همین‌طور روز جهانی حقوق بشر در اسلو پایتخت نروژ برگزار خواهد شد.

آلفرد نوبل مخترع سوئدی دینامیت در وصیت خود در سال ۱۸۹۵ میلادی، یک سال پیش از مرگش، نوشته بود جایزه صلح بنیاد او برای کمک به برادری بین ملت‌ها اعطا شود.



برندگان نوبل اقتصاد ۲۰۲۴؛ اقتصاددان برجسته چه پیش‌بینی از آینده ایران دارد؟

دارون عجم اوغلو، جیمز ای رابینسون و سایمون جانسون به صورت مشترک برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۲۴ شدند. کمیته نوبل آکادمی سلطنتی علوم سویدن روز دوشنبه ۱۴ اکتبر با معرفی این سه نفر به‌عنوان برندگان سال اعلام کرد که این اقتصاددانان «اهمیت نهادهای اجتماعی را برای شکوفایی یک کشور» نشان داده‌اند.

عجم اوغلو و جیمز رابینسون دو اقتصاددانی هستند که در سال ۲۰۱۲ کتاب پر فروش «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» را نوشتند و آن کتاب به زبان‌های مختلفی در دنیا ترجمه و به پژوهشی الهام‌بخش تبدیل شد. عجم اوغلو استاد دانشگاه ام‌آی‌تی و جیمز رابینسون هم در دانشگاه شیکاگو امریکا تدریس می‌کند. سایمون جانسون هم مانند عجم اوغلو در دانشگاه ام‌آی‌تی تدریس می‌کند.

یورونیوز فارسی ۲ سال قبل در بحبوحه جنبش «زن، زندگی، آزادی» گفت‌وگوی مفصلی با آقای عجم اوغلو درباره آینده ایران و چشم‌انداز اعتراضات و توسعه در کشور انجام داده بود.

این استاد دانشگاه با معرفی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک «حکومت در مانده» پیش‌بینی کرده بود که سال‌های سختی در انتظار مردم ایران خواهد بود. او گفته بود که «دهه‌ها سرکوب و حضور حکومتی که نماینده واقعی مردم ایران نیست» زمینه را برای فساد بدتر و سرکوب و وحشیانه‌تر فراهم کرده است.

با این حال برنده نوبل اقتصاد در سال ۲۰۲۴، پیش‌بینی کرده بود که این «ویژگی اجتناب‌ناپذیر ایران نیست و می‌تواند تغییر کند.» عجم اوغلو البته گفته بود این روندی طولانی‌تر خواهد بود و نخستین گام هم برایش ایجاد و ساخت نهادهای بهتر است.

عجم اوغلو، همچنین با هشدار درباره این‌که مشکلات و بحران‌های پیش روی ایران جدی است، گفته بود که تصور حل معجزه‌آسای مشکلات بعد از فروپاشی احتمالی جمهوری اسلامی طی ۱ یا ۲ سال واقع‌بینانه نیست.

وی همچنین با نظر گروهی که ایران را با حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی مقایسه کرده و اعتقاد داشتند با تحریم گسترده در نهایت جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد، مخالف است. این استاد دانشگاه ام‌آی‌تی گفته بود که ایران برخلاف حکومت آفریقای جنوبی دوران آپارتاید وابسته به غرب نیست و در نتیجه پیگیری آن الگو برای سقوط جمهوری اسلامی جواب نمی‌دهد. (این مصاحبه را در زیر همین مطلب مطالعه کنید)

در بیانیه منتشر شده از سوی آکادمی نوبل آمده است: «جوامعی که در آن‌ها حاکمیت به شکل ضعیفی اعمال می‌شود و نهادها مردم را استثمار می‌کنند امکان چندانی برای رشد یا تغییر بهتر وجود ندارد. تحقیقات برندگان جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۴ به ما کمک می‌کنند تا دلیل آنرا بهتر درک کنیم.»

جیمز ای رابینسون و دارون عجم اوغلو در ادامه پژوهش‌های خود کتاب دیگری با عنوان «راه باریک آزادی» را نوشتند که آن پژوهش هم بسیار الهام‌بخش بود و مورد توجه قرار گرفت. عجم اوغلو، همچنین همراه با دیگر برنده نوبل اقتصاد ۲۰۲۴

یعنی سلیمون جانسون کتاب دیگری با عنوان «نزاع هزار ساله ما بر سر فناوری و بهروزی» نوشت که در آن به این موضوع پرداخته که هرچند نوآوری‌ها می‌توانند به افزایش رفاه، ثروت و بهبود کیفیت انسان‌ها منجر شود اما در عین حال همین نوآوری‌ها می‌توانند نابرابری‌ها را تشدید کرده و مشاغل را از بین ببرند و محیط زیست را تخریب نمایند.

با معرفی برنده نوبل اقتصاد سال ۲۰۲۴ فصل جوایز امسال به پایان رسید تمامی برندگان نوبل در زمینه‌های پزشکی، فیزیک، کیمیا، ادبیات و صلح معرفی شدند.

از دریافت کنندگان قبلی جایزه نوبل اقتصاد می‌توان به کلودیا گلدین، بن برنانکه، داگلاس دایموند، توماس پیکتی و فیلیپ دیبویگ اشاره کرد.

این پنجاه و ششمین جایزه نوبل اقتصاد است که به یک اقتصاددان تعلق می‌گیرد. نخستین بار در سال ۱۹۶۹ اعطای این جایزه راه‌اندازی شد و از آن زمان، هر سال به یک یا چند اقتصاددانی که در آن سال تئوری‌ها و تحقیقاتشان کارآمد و قابل توجه بوده، اهدا شده است.

این جایزه که به یاد آلفرد نوبل از سوی بانک مرکزی سوئد در حوزه علوم اقتصادی اعطا می‌شود معادل ۱۰ میلیون کرون سوئدی (۹۱۲.۴ هزار یورو) است.

این جایزه از سوی بانک مرکزی سوئد (Sveriges Riksbank) در سال ۱۹۶۸ و به یاد آلفرد نوبل پایه‌گذاری شد که سپس به‌عنوان نوبل اقتصاد شهرت یافت و در واقع بخشی از جوایز پنجگانه نوبل که از سوی آلفرد نوبل پایه‌گذاری شده، نبوده است. کلودیا گلدین به دلیل تلاش‌هایش «در گسترش درک جهان از نتایج بازار کار زنان» برنده جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۳ شده بود.



نشان صلح نوبل

زندگی‌نامه آلفرد نوبل بنیان‌گذار جایزه صلح نوبل

آلفرد نوبل متولد سال ۱۸۳۳ در استکهلم، پایتخت سوئد بود. که همراه با خانواده خود سن‌پترزبورگ شد. پدر و مادر آلفرد در سال ۱۸۲۷ با هم ازدواج کردند. آن‌ها صاحب هشت فرزند بودند. اما بیماری‌های شایع در آن دوران باعث شده بود که فقط آلفرد و سه برادرش بتوانند زنده بمانند و به سن جوانی برسند. پدر نوبل یک مهندس خودساخته بود که در آن زمان فردی متمول بود، به همین دلیل آلفرد به مدرسه نمی‌رفت و معلم‌های خصوصی او را آموزش می‌دادند. نوبل فقط ۱۸ ماه به مدرسه رفت. او بدون حضور در مدرسه توانست در درس کیمیا و زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و روسی مهارت پیدا کند. او در سال ۱۸۵۰ عازم پاریس شد و در ۱۸ سالگی برای تحصیل در رشته کیمیا به آمریکا رفت.

وی در امریکا، زیر نظر دانشمند و مخترع امریکائی جان اریکسون به تحصیل پرداخت. جان اریکسون از بزرگترین مخترعین زمان خود بود که توانست کشتی جنگی آیرونکلاد در حین جنگ‌های داخلی امریکا اختراع کند. سفر نوبل به امریکا و اروپا زمینه آشنائی او را با ماده انفجاری نیتروگلیسرین فراهم کرد.

ثبت اولین اختراعات نوبل

در سال ۱۸۵۲، نوبل در سن ۱۹ سالگی به روسیه برگشت. در این زمان، پدر نوبل کارخانه تولید اسلحه خود را گسترش داده بود و شرایط برای قدم‌های بزرگ آلفرد کاملا آماده بود. اولین اختراع آلفرد نوبل حسگر جریان گاز بود که در سال ۱۸۵۷ ثبت شد. در اختراع دوم که در سال ۱۸۶۳ در واقع روشی برای تولید باروت بود. این دوران زمانی بود که او برای تولید مواد منفجره، جهش بزرگی را آغاز کرد.

بازگشت دوباره فقر نوبل

بازگشت به روسیه با تلاش‌های مضاعف در تولید و تجارت اسلحه همراه بود. ولی در آن برهه شکست روسیه در جنگ کریمه باعث شد تا خرید سلاح از کارخانه نوبل بدون پرداخت بماند و کارخانه اسلحه سازی نوبل ورشکست شود. در طول جنگ کریمه آلفرد نوبل اقدام به ساختن سلاح‌هایی با استفاده از ماده‌ی انفجاری جدید نیتروگلیسرین کرد که نتوانست موفق شود. ورشکستگی و زمین خوردن مجدد خانواده نوبل، آن‌ها را به شدت تحت تاثیر قرار داد. مشکلات مالی با گذشت چندسال دوباره به خانواده نوبل بازگشت و در زمانی که آلفرد ۲۵ ساله بود، این مشکلات به اوج خود رسیدند. البته بیماری آلفرد در این زمان هم او را رها نکرد و رنج‌های وی را بیش‌تر می‌کرد.

آن‌ها چندین خط تولید کارخانه را واگذار کردند. بخش کوچکی از کارخانه را تحت مدیریت برادر بزرگتر آلفرد یعنی لودویگ وانهاندن. که بعدها این تجارت را به موفقیت‌های زیادی رساند. پس از آن آلفرد و خانواده‌اش به جز لودویگ و رابرت با مقدار کمی پول به سویدن بازگشتند. آن‌ها در یک آپارتمان در سن‌پترزبورگ با هم زندگی می‌کردند. آلفرد در سویدن تحقیقات خود را از سر گرفت.

نیتروگلیسرین و دینامیت

آلفرد در سویدن در خانه کوچک پدری آزمایشگاهی را راه‌اندازی کرد. او روزانه ۱۸ ساعت به کار و تحقیق می‌پرداخت. او به اختراعات و تحقیقات خود ادامه داد. نوبل به کشف بزرگی در زمینه انفجار دست یافته بود. او توانست با استفاده از ترکیب نیتروگلیسرین و باروت، انفجار کنترل شده‌ای را تولید کرد. بعد از کشف روش انفجار با نیتروگلیسرین و باروت، آلفرد در سال ۱۸۶۳ تولید اختصاصی نیتروگلیسرین را شروع کرد و با تولید انبوه آن در سال ۱۸۶۴ به آن وجه عملی بخشید.

در همین سال، پروژه نیتروگلیسرین حادثه‌ای ناگوار برای آلفرد و خانواده‌اش را رقم زد. امیل، برادر کوچک آلفرد به همراه یک دانشجو در حین آماده‌سازی نیتروگلیسرین یک شرکت ریلی بود که دچار حادثه انفجار شده و هردو نفر به‌همراه چند نفر دیگر در این حادثه جان خود را از دست دادند.

اگر چه این ضایعه، اندوه بزرگی برای نوبل آلفرد به حساب می‌آمد ولی این اتفاق باعث نشد، که او از تلاش‌های خود دست بردارد.

در آن زمان، تقاضا برای تولید نیتروگلیسرین نوبل به حدی بالا بود که آلفرد تصمیم گرفت تولیدات انبوه خود را گسترش دهد. او کارخانه اولیه خود را گسترش داد. آلفرد با شروع دهه ۱۸۸۰، نوبل کارخانه‌های مختلفی را برای تولید نیتروگلیسرین تاسیس کرد.

چاشنی انفجار نوبل

نوبل توانست در سال ۱۸۶۴ اختراع دیگری را به نام خود ثبت کند و چاشنی انفجار را برای نیتروگلیسرین اختراع کرد. او از یک استوانه چوبی که داخل یک قالب فلزی قرار می‌گیرد. در داخل قالب فلزی، نیتروگلیسرین قرار داده می‌شد. اولین انفجار در داخل استوانه چوبی صورت می‌گیرد و منجر به انفجار نیتروگلیسرین مایع می‌شود. اختراع دینامیت

دینامیت به معنای قدرت است که از کلمه یونان دینامسئی (Dynamis) گرفته شده است. دینامیت از مشهورترین اختراعات نوبل بود. او در ابتدا تصور می‌کرد که اختراعش در جهت مقاصد صلح آمیز استفاده می‌شود. او در این زمینه، بیان کرد که دینامیت راه‌حلی برای انفجار کنترل شده نیتروگلیسرین است. وی دینامیت را با ترکیب نیتروگلیسرین و سیلیکات اختراع کرد. این دینامیت پوشش کاغذی و به شکل ساده ای داشت. دینامیت قدرت انفجار کمتری نسبت به نیتروگلیسرین داشت.

اختراع ژلینیت

آلفرد در سال ۱۸۷۵ میلادی، اختراع دیگری به نام ژل را ثبت کرد. ژل انفجاری یا ژلینیت از ترکیب گلیسرین ژلاتینه و نیتروسولوز ساخته شده است. تفاوت ژلینیت با دینامیت این است، که ژل انفجاری در فضای زیر آب قدرت انفجاری دارد. نقطه ضعف دینامیت این بود که در معرض گرما یا تعریق، بدون اختیار فرد منفجر می‌شد. ولی در ساخت ژلینیت این مشکل رفع شد.

ژلینت مزیت‌های زیادی نسبت به دینامیت داشت، ژلینیت تغییر شکل حالت می‌داد، قابل حمل و امن بود و در برابر آب مقاومت داشت. این اختراع دستاورد بزرگی در صنعت انفجار بود.

اختراع بالیستیت

اختراع نظامی دیگر نوبل بالیستیت بود که در انگلستان و هم در امریکا به ثبت رسید. بالیستیت نسبت به دو ماده انفجاری قبل دود کمتری داشت. آلفرد در زمان اختراع بالیستیت در فرانسه زندگی می‌کرد ولی دولت فرانسه از اختراع او استقبال که نکرد، با حملات رسانه‌ای، تمامی مواد و آزمایش‌های او را توقیف کرد و متعلقات وی توسط دولت مسدود شد. بالیستیت ماده‌ای محرک بود که در گلوله و خمپاره استفاده می‌شد. این موضوع باعث شد که نوبل تصمیم بگیرد که برای همیشه فرانسه را ترک کند. او در سال ۱۸۹۱ فرانسه را به مقصد ایتالیا ترک کرد.

سایر اختراعات نوبل

نباید تصور شود که همه اختراعات نوبل به مواد منفجره منتهی می‌شد. او در زمینه چرم و ابریشم مصنوعی موفقیت‌های زیادی کسب کرد و مخصوصاً آخرین سال‌های زندگی‌اش را صرف این حوزه کرد.

نکته قابل توجه درباره مقاصد کشفیات و اختراعات نوبل، این است که اکثر مواد انفجاری آلفرد نوبل برای مقاصد صلح‌آمیز مانند راه‌اندازی سد، تونل، کانال‌های دریائی استفاده می‌شد که پیشرفت زیادی را برای تمامی جوامع بشری به همراه داشت.

پارادوکسی که در زندگی‌نامه نوبل وجود دارد، این است که چرا این مرد دنیای نظامی که اختراعات زیادی در تولید ملزومات جنگی و کشتار داشته، با نام صلح پیوند خورده است.

زندگی این دانشمند، همیشه با تضادهای درونی همراه بود. او خود مردی صادق، پرتلاش، دانشمند تصور می‌کرد، ولی از نظر مردم، او فردی فاسد بود که نفرت افراد صلح‌طلب را برمی‌انگیخت. نوبل برخلاف این‌که جیب‌های خود را از ثروت کارخانه‌های ساخت مواد منفجره پر می‌کرد، همیشه در فکر حمایت از برنامه‌ها صلح‌آمیز و تشویق جامعه علمی بود.

او رفته‌رفته به فکر پایان کار خویش افتاد و خود را در برابر تصویری که مردم از او ساخته بودند، قرار می‌داد. سرانجام تصمیم گرفت که ۹۴ درصد از ثروت خود را که مقدار زیادی نیز بود، برای اهدای جوایز سالانه به مفاخر حوزه‌های کیمیا، فیزیک پزشکی، ادبیات و ... اختصاص داده و بنیاد صلح نوبل را تأسیس کرد. برای اهدای جوایز سالانه در موضوعات علمی متعدد همچون کیمیا، فیزیک، علوم پزشکی و ادبیات اختصاص داد. به گواهی تاریخ برثا کینسکی دستیار و معشوق آلفرد نقش بسیاری در گرفتن تصمیم صلح‌جویانه او داشت. نوبل علاقه شدیدی به این زن داشت، اما نتوانست پاسخ مثبت ازدواج را از او دریافت کند. برثا کینسکی از تلاش‌های نوبل بهره برد و توانست در سال ۱۹۰۵ برنده جایزه نوبل شود. ولی اولین جایزه نوبل در سال ۱۹۰۱ اهدا شد. سایر جوایز نوبل به دسته‌بندی صلح تعلق داشت که با توضیح زیر بیان می‌شد.

تا شروع دهه ۱۸۸۰، نوبل توانسته بود، ثروت عظیمی را از کارخانه‌های متعدّدش به‌دست آورد. اکثر اوقات در حال مسافرت و بازدید از تجارت‌کاخانه‌ها بود.

آلفرد زندگی اشرافی خود را به تنهایی می‌گذراند و در ماجراهای عشقی به هیچ‌وجه موفق نبود. او در سال ۱۸۷۶ و در سن ۴۳ سالگی دل‌باخته دختر ۲۰ ساله‌ای به‌نام سوفیا هس شد.

نوبل برای ملاقات این خانم به اتریش سفر می‌کرد و خبر از رابطه‌ای که با این خانم داشت، به دوستان پارسی خود نداده بود. سوفی در سال ۱۸۹۴ با کمک‌های مالی با شخص دیگری ازدواج کرد.

آلفرد نوبل در سال‌های پایانی عمر خود از بیماری قلبی رنج می‌برد و در نهایت در سال ۱۸۹۶ میلادی با سکت قلبی دار فانی را وداع گفت. از افتخارات این دانشمند این است که ۳۵۵ پتنت را به‌صورت بین‌المللی به نام خود ثبت کرد و در زمان مرگش، صاحب ۹۰ کارخانه تولید تجهیزات نظامی بود.

بخش اعظمی از سرمایه نوبل صرف جایزه نوبل شد. او برای خانواده خود هیچ ارثی را به‌جای نگذاشت. او اعتقاد داشت که اقوامش به‌منظور تحصیلات عالی مستحق کمک مالی هستند. نوبل وصیت کرده بود که جسد با اسید تجزیه شود. اما بعد از مرگ او، جسدش را سوزاندند و در گورستان Norra begravningsplatsen در کشور سویدن دفن شد. در شهر سن پترزبورگ روسیه، یادبود ماندگاری از آلفرد نوبل ساخته و از آن در سال ۱۹۹۱ از آن رونمایی کردند.

ضمیمه:

گفت‌وگوی اختصاصی با نویسنده کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند»؛ آینده ایران بدون جمهوری اسلامی چگونه است؟

تاریخ انتشار ۰۹/۱۱/۲۰۲۲

دارون عجم اوغلو، نویسنده کتاب پرفروش «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» در گفت‌وگوی اختصاصی با یورونیوز می‌گوید که به خشونت کشیده شدن اعتراضات توسط مردم باعث خواهد شد تا «جمهوری اسلامی با شکل خشن‌تری اعتراضات را سرکوب کند و تنها باعث خواهد شد جان بیگناهان بیشتری از دست برود.»

هرچند اعتراضات در ابتدا با شعار «زن، زندگی، آزادی» و در اعتراض به حجاب اجباری و عدم رعایت حقوق زنان شکل گرفت اما به‌نظر می‌رسد بحران‌های اقتصادی، فسادهای گسترده نهادهای مختلف و انسداد سیاسی باعث تشدید شعله اعتراضات در ایران شده است.

دارون عجم‌و غلو، نویسنده و پژوهشگری که ایرانیان او را با کتاب پرفروش «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» می‌شناسند یکی از پژوهشگرانی است که در تحقیقی گسترده، ده‌ها نمونه از حکومت‌های کشورهای مختلف در سرتاسر جهان را به همراه جیمز رابینسون بررسی کرده تا دریابد چگونه برخی از کشورها در طول تاریخ توانسته‌اند مسیر توسعه را ببیمایند و در مقابل چه موانعی باعث شده شمار بیش‌تری از حکومت‌ها جز فقر و فساد ارمان دیگری برای مردمان خود نداشته باشند.

این اقتصاددان و استاد دانشگاه آم‌آی‌تی امریکا در گفت‌وگوی اختصاصی با یورونیوز فارسی، جمهوری اسلامی را یک نمونه از حکومت‌هایی معرفی می‌کند که «با سرکوب گسترده و استخراج منابع به نفع نخبگان وفادار رژیم» می‌توان آن‌را یک «دولت درمانده» خواند. آقای عجم‌و غلو که مخالف خشن شدن اعتراضات مردم است می‌گوید که متقاعد شده که ایران می‌تواند آینده‌ای مطلوب‌تر با حکومتی بهتر داشته باشد، هرچند به باور سال‌های سختی در انتظار مردم ایران خواهد بود.

یورونیوز: شما در کتاب مشهور خود با بررسی ده‌ها مدل مختلف در کشورهای گوناگون به تفصیل توضیح دادید که چرا ملت‌ها شکست می‌خورند. در آن کتاب به مولفه‌های گوناگونی از رانت تا فساد در ساختار حاکمیتی اشاره کردید. مواردی که به نظر می‌رسد در ایران هم قابل مشاهده است. آیا جمهوری اسلامی را می‌توان یکی از این موارد نامید؟

دارون عجم‌و غلو: در ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که من متخصص تاریخ ایران و یا سیاست معاصر جمهوری اسلامی ایران نیستم اما به‌نظر من رژیم کنونی در ایران در طول دهه‌های اخیر به صورتی کاملاً سرکوبگر عمل کرده و تلاش داشته منابعش را از جمعیت خود استخراج کند. جیمز رابینسون و من در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» رژیم‌های استخراجی را، رژیم‌هایی تعریف کردیم که منابع را از جمعیت خود استخراج می‌کنند تا نخبگان کوچک وفادار به حاکمیت را غنی کنند. این استخراج می‌تواند از نفت یا سایر منابع طبیعی یا استخراج کلی ارزش اقتصادی باشد. طبق این تعریف، حکومت کنونی ایران یک رژیم استخراجی آشکار است.

همچنین به‌نظر من و بر اساس گزارش‌ها و تحقیقاتی که درباره ایران خوانده‌ام، می‌توان گفت که حکومت از قدرت خود برای ثروتمند کردن پاران وفادارش استفاده کرده است. تاریخ مملو از رژیم‌های دیگر از این دست است و بیشتر آن‌ها در نهایت به دولت‌های درمانده تبدیل می‌شوند. نهادها دست از کار می‌کشند و نخبگان حکومتی روزبه‌روز درنده و بی‌تفاوت‌تر نسبت به مصیبت مردم می‌شوند. این نیز مرحله‌ای است در آن اغلب خشونت و سرکوب به شکل شدیدتری ظاهر می‌شود. بنابراین بله، من می‌توسم که ایران هم در حال حرکت به این سمت باشد.

یورونیوز: بررسی جنبش‌های مدنی در دهه‌های اخیر در ایران نشان می‌دهد که جامعه از روش‌های مختلف مسالمت‌آمیز و مدنی برای تغییر و اصلاح ساختار جمهوری اسلامی استفاده کرده است. از جنبش سبز در سال ۸۸ تا پیروزی میانه‌روها در انتخابات سال ۹۲. اما در نهایت جمهوری اسلامی در برابر همه تغییرات مقاومت کرده است. آیا راهی جز انقلاب برای تغییر در جمهوری اسلامی وجود دارد؟

بله، برداشت من هم از روندهایی که در ایران رخ داده به همین صورت است. ضمن اینکه این رویه در تاریخ نیز مشاهده شده است. اگر بخواهیم به صورت دقیق‌تر این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم می‌توان به تاریخ قرن ۱۹ میلادی نگاه کنیم؛ موارد زیادی وجود دارد که در آن جنبش‌های اعتراضی باعث تغییر رژیم شده‌اند. البته به یاد داشته باشید که هیچ یک از اینها آسان نبوده است و در برخی موارد تهدید به خشونت و یا اعمال خشونت واقعی صورت گرفته است. اما در عین حال، تغییر در بسیاری از موارد هم بدون انقلاب‌های خونین یا جنگ‌های داخلی رخ داده است. با این حال، وقتی به رژیم‌های واقعا سرکوبگر و استخراج‌کننده نگاه می‌کنید، که به عنوان مثال می‌توان به دو نمونه در منطقه خاورمیانه یعنی لیبی در دوران معمر قذافی یا سوریه در زمان بشار اسد اشاره کرد، متوجه می‌شویم که این حاکمان به هرگونه جنبش‌های اعتراضی با سرکوب گسترده پاسخ داده‌اند.

حکومت کنونی ایران یک رژیم استخراجی آشکار است. حکومتی که از قدرت خود برای ثروتمند کردن یاران وفادارش استفاده می‌کند. تاریخ مملو از حکومت‌هایی از این دست است که در نهایت به «دولت‌های درمانده» تبدیل شده‌اند.

دارون عجم‌و غلو

در ایران هم همین‌طور بوده است و حاکمان جمهوری اسلامی با روشی مشابه به شکلی خشن تلاش کرده‌اند جنبش‌های اعتراضی را سرکوب کنند. در واقع، ارزیابی من این است که جنبش‌های اعتراضی ایران بسیار مسالمت‌آمیز رفتار کرده و در مقایسه با نمونه‌های آلبانی و سوریه بیشتر نماینده جامعه مدنی کشور بوده‌اند اما با این حال رژیم جمهوری اسلامی ذره‌ای به معترضان امتیاز نداده است.

یورونیوز: به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات توسط حکومت اشاره کردید، در حدود دو ماه تظاهرات در ایران، اعتراضات به خشن‌ترین شکل ممکن توسط نیروهای امنیتی سرکوب شده است. این رویه باعث شده تا برخی استدلال کنند که شاید بهتر است مردم هم وارد فاز اعتراضات خشونت‌آمیز شوند و به‌عنوان مثال نیروهای امنیتی را مورد هدف قرار دهند. آیا چنین رویه‌ای شانس موفقیت معترضان را افزایش می‌دهد؟

اظهار نظر در مورد چنین چیزهایی برای کسی که در دفتر خود در آمریکا نشسته، است دشوار است. اما چیزی که می‌توانم به آن اشاره کنم این است که من این‌را گزینه مطلوبی نمی‌دانم. اگر رژیم ایران همچنان به شکل بیرحمانه معترضان را سرکوب کند، نتیجه چندان از اعتراضات به دست نمی‌آید و تنها جان بیگناهان بیشتری از دست خواهد رفت. در مقابل اگر معترضان، رادیکال شوند و شروع به استفاده از تاکتیک‌های خشونت‌آمیز کنند، این روند احتمالاً به خشونت بیشتر رژیم و افزایش تلفات جانی و بیشتر شدن مشکلات معیشتی مردم خواهد انجامید.

من کسی نیستم که انتخابم برخورد خشونت‌آمیز متقابل با رژیم باشم. غریزه من همیشه تظاهرات مسالمت‌آمیز است با این امید که رژیم‌هایی که به سرکوب خشونت‌آمیز معترضان مشغول هستند، پس از مدتی تمام مشروعیت خود را از دست می‌دهد و عناصر درون رژیم به فکر مصاحبه بیفتند. البته در شرایط فعلی ممکن است این ایده در مورد ایران تنها یک تفکر امیدوارانه باشد.

یورونیوز: دلیل اصلی گرفتار شدن جمهوری اسلامی در این بحران چیست؟ فساد که در دستگاه‌های اداری نظام رخنه کرده به فرهنگ اجتماعی جامعه برمی‌گردد یا دلیل اصلی نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی یا سیاست‌های جاه طلبانه منطقه‌ای رژیم است یا شاید هم ترکیبی از تمام این‌ها؟ آیا در درون جمهوری اسلامی راهی برای تشکیل نهادهایی وجود داشت که حکمرانی خوب و توسعه پایدار را تضمین می‌کرد؟

فکر می‌کنم این سؤال را مورخان ایران و دانشمندان علوم سیاسی که در سیاست مدرن ایران تخصص دارند بهتر می‌توانند پاسخ دهند. اما احساس من این است که چیزی در فرهنگ ملی کشور وجود ندارد که به چنین نتایجی منجر شود. برعکس ایران یکی از نمونه‌های پیشرو در میان کشورهای در حال توسعه در «ساختن نهادهای دموکراتیک» بود که متأسفانه (در کودتای ۲۸ مرداد) سرنگون شد؛ از آن بدتر اینکه این سرنگونی با حمایت ایالات متحده آمریکا صورت گرفت. آنچه پس از آن در ایران مشاهده شد، رژیم فاسد و سرکوبگر محمدرضا پهلوی بود و بعدتر زمانی که شاه سرنگون شد، رژیمی به همان اندازه سرکوبگر یعنی جمهوری اسلامی به جای آن ظهور کرد.

من خشونت‌آمیز شدن اعتراضات را گزینه مطلوبی نمی‌دانم چرا که رادیکال شدن معترضان احتمالاً به خشونت بیشتر رژیم و افزایش تلفات جانی معترضان و بیشتر شدن مشکلات معیشتی مردم خواهد انجامید.

دارون عجم‌و غلو

دهه‌ها سرکوب و حکومتی که نماینده واقعی مردم نبوده، زمینه را برای فساد بدتر و سرکوب شدیدتر و وحشیانه‌تر فراهم کرده است. این خبری بدی است اما خبر خوب این است که چون این ویژگی اجتناب‌ناپذیر ایران نیست، می‌تواند تغییر کند. البته که مدتی طول می‌کشد تا تغییر کند و اولین قدم هم ساختن نهادهای بهتر است که البته همان‌طور که توضیح دادم انجام آن آسان نیست اما در عین حال ممکن است اتفاق بیفتد و این دلیلی برای خوشبینی محتاطانه است.

یورونیوز: ایران از جمله کشورهای نفت‌خیزی است که هم حاکماتش روحیه غرب ستیزی دارند و هم فساد گسترده و سازمان‌دهی شده به شکل گسترده‌ای در آن دیده می‌شود. موضوعی که باعث می‌شود برخی ایران را شبیه نیجریه و گروهی هم آن‌را مشابه ونزوئلا بدانند. جمهوری اسلامی پیش‌تر به کدامیک نزدیک تر است و اساساً نقش نفت را در پیش آمدن این شرایط چگونه تفسیر می‌کنید؟

واقعیت این است که نفت کارها را پیچیده می‌کند. هنگامی که به منابعی دسترسی پیدا کردید که می‌توانید بدون پیشرفت‌های تکنولوژیکی عمده و همکاری مردم از آن‌ها بهره‌برداری کنید، آنگاه رفتار درنده و فاسد آسان‌تر و امکان پذیرتر می‌شود چرا که حاکمان تصور می‌کنند برای حکمرانی خود نیازی به مردم ندارند و سرمایه از جای دیگری تامین می‌شود. به همین دلیل برخی این را به عنوان «نفرین منابع» توصیف کرده‌اند.

دهه‌ها سرکوب و حکومتی که نماینده واقعی مردم نبوده، زمینه را برای فساد بدتر و سرکوب شدیدتر و وحشیانه‌تر فراهم کرده است. این خبری بدی است اما خبر خوب این است که چون این ویژگی اجتناب‌ناپذیر ایران نیست، می‌تواند تغییر کند. البته که مدتی طول می‌کشد تا تغییر کند و اولین قدم هم ساختن نهادهای بهتر است

دارون عجم اوغلو

اما این کاملاً درست نیست چرا که نروژ هم یک کشور نفتی است و میادین نفتی خود را تحت یک حکومت بسیار دموکراتیک توسعه داده است.

ضمن این‌که این کشور از درآمدهای آن برای ثروتمند کردن نخبگان محدود یا نزدیکان رژیم استفاده نکرده است؛ برعکس این کشور این منابع را برای مردم خود استفاده کرده است. بنابراین نوع نهادهایی که یک کشور دارد بسیار مهم و اثرگذار است. **یورونیوز:** جمهوری اسلامی در تلاش است تا مردم را از تبدیل شدن ایران به سوریه بترساند. می‌گویند اگر جمهوری اسلامی نباشد کشور درگیر بحران‌های امنیتی و حتی جنگ داخلی می‌شود. این نگرانی در میان برخی از اқشار جامعه نیز مشاهده می‌شود. اما این نگرانی چه قدر جدی است؟

بار دیگر، کارشناسان سیاست و ژئوپلیتیک ایران بهتر است به این سؤال پاسخ دهند. اما هر رژیم سرکوبگر بهانه می‌کند که اگر سرکوب کاهش یابد، جنگ داخلی و هرج و مرج رخ خواهد داد. اغلب این‌ها فقط همین هستند، بهانه‌هایی که معترضان را بترسانند. اما این درست است که پس از سقوط یک رژیم سرکوبگر طولانی مدت، گاهی اوقات سال‌ها بی ثباتی وجود دارد.

یورونیوز: فرض کنید جمهوری اسلامی فروپاشید. می‌دانیم که کشور با ابربحران‌های اقتصادی مانند تورم، کاهش قدرت خرید مردم، فقر گسترده، افزایش شدید نقدینگی و... مواجه است، ضمن اینکه چالش‌های اجتماعی مانند محیط زیست، پیری جمعیت و کمبود آب و مسائلی از این دست هم باید در نظر گرفته شوند. حکومت جدید می‌تواند این چالش‌ها را به سرعت و پیش از اینکه صبر و حوصله مردم لبریز شود، حل و فصل کند؟

این سؤال بسیار مهمی است بله، بحران‌های پیش روی ایران شدید است در نتیجه من فکر نمی‌کنم که انتظار این‌که حکومت جدید بتواند به طور معجزه آسانی این مشکلات را ظرف یک یا دو سال حل کند، واقع‌بینانه باشد.

بحران‌های پیش روی ایران شدید است در نتیجه من فکر نمی‌کنم که انتظار این‌که حکومت جدید بتواند به طور معجزه‌آسایی این مشکلات را ظرف یک یا دو سال حل کند، واقع‌بینانه نباشد. بنابراین متأسفانه باید پذیرفت که مردم ایران باید سال‌های سختی را تحمل کنند. اما این بدان معنا نیست که این کشور نمی‌تواند آینده‌ای مطلوب‌تر با حکومت‌های بهتر و نهادهای قوی‌تر و فراگیرتر بسازد. در واقع من متقاعد شده‌ام که ایران می‌تواند این کار را انجام دهد.

دارون عجم او غلو

بنابراین متأسفانه باید پذیرفت که مردم ایران باید سال‌های سختی را تحمل کنند. اما این بدان معنا نیست که این کشور نمی‌تواند آینده‌ای مطلوب‌تر با حکومت‌های بهتر و نهادهای قوی‌تر و فراگیرتر بسازد. در واقع من متقاعد شده‌ام که ایران می‌تواند این کار را انجام دهد.

یورونیوز: برخی از گروه‌های مخالف اصرار دارند که کشورهای اروپایی باید روابط خود را با تهران قطع کرده و سفرای ایران را اخراج کنند. آیا چنین اقداماتی می‌تواند به نفع جنبش اعتراضی باشد؟ برخی با اشاره به تجربه آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید استدلال می‌کنند که فشارهای جهانی می‌تواند منجر به فروپاشی جمهوری اسلامی شود اما ما می‌دانیم که مدل جمهوری اسلامی متفاوت است و آن‌ها همین حالا هم تحت شدیدترین تحریم‌های جهانی هستند و اساساً وابستگی اقتصادی به غرب ندارند و برعکس تجارت خود را با شرق گسترش می‌دهند. تحلیل شما در این خصوص چیست؟ کدام ایده به سود معترضان است؟

این یک سؤال دشوار دیگر است. اما استدلالی که شما به آن در خصوص جمهوری اسلامی و آفریقای جنوبی اشاره کردید صحیح است. ایران می‌تواند نفت خود را در بازارهای جهانی بفروشد، بنابراین به اندازه آفریقای جنوبی به همکاری اروپا وابسته نیست. در واقع اقتصاد جمهوری اسلامی چندان با اقتصاد اروپا یکپارچه نیست. با توجه به این موضوع، اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه‌تری از سوی کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی، هزینه‌ها و منافع را به همراه دارد. اما در مجموع من فکر می‌کنم مهم است که مردم اروپا و همین‌طور جامعه مدنی به‌صورت کلی به حمایت خود از جوانان شجاع ایرانی و سایر معترضان ادامه دهند.

با درودهای فراوان

برنده‌گان جوایز نوبل در سال ۲۰۲۴!

شاد و تندرست باشید